###### 28

###### azad

###### **دانشگاه آزاد اسلامي**

###### **واحد تهران مرکز**

**موضوع:**

**جامعه شناسی هنر موسیقی**

استاد راهنما:

دانشجو:

مقدمه

بی دست وپایی هزارپایی بکشت و صاحبدلی بر او نظرکرد و گفت سبحان الله، با هزار پایی که داشت از بی دست و پایی گریختن نتو انست .

سعدی

در ایران فرهنگ بطور عـام و هنر به طور خاص، مشابه هزارپای داستان گلستان است، که اغلب گرفتار بی دست وپاهایی منحط گردیده واگر نابود نمی شود، حداقل صدمات جبران ناپذیری می بیند .

نوشتن در مورد اینگونه مفاهیمی که باید از سوی عام وگاه متخصصان به عنو ان یک اصل پذیرفته شود، اغلب باخطر هایی مثل اتهام، ارتداد و طرد شدن از سوی جامعه روبرو ا ست. چون زمانی که گروه کثیری از راه نادرست تغذیه می کنند و گروه انبوه تری محصولات هنری گروه اول را پذیرا می شوند، نقد و تحلیل و چالش طلبی راه، باعث واکنش متولیان آن شیوه خواهد شد .

شروع موسیقی در تاریخ موسیقی ایران ، همواره با اتهام و اغراق توأم بوده است . عناوینی چون مطرب، رقاص مزقانچی و غیره که به موزسین ها اطلاق می شده و یا یادگیری موسیقی راعملی وقت گیر ومشکل عنوان می کردند، (مثلأ گاهی گفته می شود یادگیری ویولن 18 سال زمان می خواهد، این رقم از کجا صادر شده؟)البته موسیقی به تدریج از آن حالت تحقیرآمیز خارج شد و گسترش عـام پیدا کرد . خصـوصا پس ازانقـلاب اسلامی ، خلاف آنچه که تصور می شدکـه موسیقی تحـریم شود ، امـا موسیـقی مقبول گـردید و گسترش دو چندان یافت که بیشتر به لحاظ کمی بود، اما به لحاظ کیفی رشد آن منفی و کاملا سطحی بود . نگارش این کتاب بارسنگینی بردوش بود .چون گستره مباحث آن وسیع و با تمام سطوح دانش بشری ارتباط داشت.

همیشه این سؤال مطرح بود که چگونه است یک جریان فرهنگی مثل موسیقی در این سرزمین تا این حد نازل و بی محتواست. چگونه است که برای خرید میوه دقت می کنیم ، ولی این جریان فرهنگی \_ هنری را بی هیچ تعمقی می پذیریم . تاوان خسارت میوه بسیار محدود است ، اما تاوان ساده پذیرا شدن جریان فرهنگی در یک مملکت بسیارگران است،شاید برابر با ارزش تفکر یک ملت و مملکت باشد.عناوین هنری مثل موسیقی،نقاشی، نثر و نظم، اساس فرهنگ یک جامعه است وهر فردی در قبال آن مسئول می باشد.

موسیقی زبان حال در ایران به نوعی یک شوخی وتفریح می باشد، مثل لطیفه گویی که درفرهنگ عمیق ایران جایی ندارد. لطیفه گفته می شود بعد از تأثیر آن به فراموشی سپرده می شود. موسیـقی هم در ایران ساخته وعرضه می شود و بعد ازچندی به فراموشی می رود و فقط لحظاتی که تأثـیر دارد در ذهن باقـی می ماند، حتی در این اواخر کوشش شد که همان مـوسیقی قبل از انقلاب مجددا در اذهان جای باز کند . البته عامل مهـم در این ارتباط تکنیک ضبط ونگهداری موسیقی است،که خانواده از این طریق موسیقی گذشته رابه گوش جوانان خود رسانده و شناسانده اند و در نهـایت هیچ کس در پـی صدای موزیکال نیست، خوب وبد بودن مورد توجـه نیست، بلکه متاسفانه اغلب مردم ما تنها در پی گذراندن لحظاتی با موزیک هستند.

فصل اول

سازها:

در حکومت گذشته نوعی موسیقی بسیار ساده شکل گرفت.این موسیقی با سازهای ابتدایی به اجرا درمی آمد.از همان ابتدا تا زمان حال تغییری در سازها بوجود نیامده و نواختن و فراگیـری آن بسیار ساده می باشد. تنها فراگیری دستگاههای موسیقی ایرانی است چون قاعده ای ندارد مشکل می باشد. علاقمندان موسیقی نواختن سازی را با سرعت یاد گرفته بعـد برای تعلیم دادن به دنبال شاگرد می گردد.( البته این عمل بد نیست ،امـا تعدادی برای با اهمیت جلوه دادن کـار خود ، آن قدر مسئله را با عناوین مختـلف پیچیده می کنند،که شاگرد فکر می کند که با یک کار بسیار پراهمیت روبروست).

امروزه ساختن سازها از این مقوله هم ساده تر شده است. به طوری که هر نجـاری اقدام به ساختن ساز هایی چون تار، سه تار، تنبک، سنتور و غیره کرده است. حال باید چه انتظاری از موسیقی داشت؟ امروزه درجهان از اغلب وسایل فنی در موسیقی استفاده می کنند.ولی هر کدام شرایطی دارد.گاهی اگر سندان و چکش و یـا اشیاء فنی دیگری در موسیقی بکار می برند،برای تولید افکت است، نه اصوات موسیقیایی.درگذشته این ابزار آلات در موسیقی جایی نداشتند ولـی امروزه از این اصوات با رعایت شرایط بسیار دقیق فیـزیکی استفاده می کنند. بطوری که حتی ممکن است از اره چوب بـری به عنوان یک وسیله موسیـقی استفاده شود، اما فقط برای زمانی کوتاه وحالتی خاص!(افکت)را دارد، اغلب سازهایی که در موسیقی ایرانی بکار می روداز ساختمانی با محاسبه دقیق و فنی برخـوردار نیستند.(شاید بیشتر شبیه بـه یک وسیله افکت در موسیقی بکار می رود)اجرای موسیقی با این دستگاههای ناقص ، طـوری به صـدا در می آید که باعث بیماری می شود.از آن جمله می توان به کشیده بودن موسیقی اشاره کرد،که باعث کـند شدن حرکت در جامعه میگردد.این موسیقی به جای آرامش(بطور عام)کندی و رخوت ایجاد می کند.

**تصنیف خوانی:**

صدای تصنیف خوانی همان صدای محاوره ای است،که هر کسی از عهده آن بر می آید.پس بنابراین در جهان هر کسی می تواند بخواند. تا زمانیکه انسان بتواند گفتگو کند دارای صدای محاوره می باشد.پس جای تعجب نیست که تا زمان پیری هم این صدا را داشته باشداما این صدا، صدای موزیکال نیست. برای مثال خولیو،خواننده اسپانیایی هم تصنیف خوان است ،اما صدای او شاید یک صدای آسمانی باشد. به همین دلیل میلیونها نفر انسان در جهان به او دل بسته اند. بعد از جنگ جهانی دوم ، مو سیقی پاپ وراک گسترش یافت.ابتدا بسیار کوبنده و پرتحرک بود و از سوی نسل جوان امریکا و اروپا پذیرفته شد.اماآن جنجال پـر تحرک جسم و روح مردم را خسته می کرد. برای مقابله با این تحریک عصبی، نیازبه آرامش بود،که متاسفانه این آرامش با مواد مخدر همراه گشت . به گونه ای که به تدریج مواد مخدر در کنار موسیقی راک و پـاپ قرار گرفت و عجین شد. صدای موسیقی راک وپاپ همان صدای محاوره است ، که هر کس با کمی تمرین به آن مسلط می شود.اما آیا این اصوات زیبا است و می تواند به عنوان صدای موزیکال مورد بحث قرارگیرد؟

موسیقی آوازی:

در دوران کودکی گریـه کردن بچه برای باز شدن صدا موثراست ، کـه صدای گفتگو شکل می گیرد.بعضی از بچه ها صدای رساتری به نسبت صدای گفتگو بدست می آورند ، که از فریاد زدن در بازی برای راه دوراست. این صدای رسا درآینده با تمرین در کوه و بیابان وسعت بیشتری پیدا می کند.این تعداد با گذراندن دوره ای از موسیقی ایرانی ، خود را به عنوان آواز خوان مطرح می کنند.در این رابطه هم چگونگی اصوات موزیکال مد نظر نیست، بلکه زمانی این صدا مطلوب است،که درفریاد های زیر،صدا را ویبره (تحریر) کند. حال سوال ، که هزارها خواننده ای که در دنیا مطـرح شدند ، صدای رسایی داشتند . چگونه است که از بین هزارها خـواننده امروزه خواننده ای از ایتالیا بنام پاواراتی،حرف اول را در دنیا می زند؟